

انتظار فرج



حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا قزوینی
دبیر علمی انجمنکده مذهبوت و کارشناس مهدی

انتظار در مقابل امام معصوم^(ع) دونوع است؛ زمانی ما از امام انتظار داریم و زمانی امام از ما انتظار دارند. انتظار داشتن از امام دردی از ما دوا نمی‌کند، مثل انتظاری که کوفیان از امام حسین^(ع) داشتند. آن‌ها به سیدالشهدا^(ع) نامه نوشتند و گفتند: «آقا! بیایید». توقع داشتند امام به سمت آن‌ها بروند ووقتی هم حضرت به سوی آن‌ها رفتند، ایشان را نپذیرفتند و با دشمنان امام هم‌دست شدند و آن جنایات را رقم زدند. متأسفانه در طول تاریخ، انتظارها این چنین بوده است؛ چنان‌که بنی اسرائیل از حضرت موسی^(ع) خواستند برود و سرزمین موعود را فتح کند و گفتند ما بعد به تو می‌پیوندیم!

امام مثل کعبه است

درآموزه‌های دینی ودر فرهنگ انتظار برای فرج، عکس این موضوع صادق است؛ محمود بن لکبید کنار کوه احد با حضرت زهرا^(س) مواجه شدوبه ایشان عرض کرد:«آیایمیر^(س) دربارہ خلافت امیرالمؤمنین^(ع) چیزی نگفته‌اند؟». حضرت زهرا^(س) فرمودند:«ایاغذیرخم را فراموش کرده‌اید؟». وی پاسخ داد: «اگر غذیری بوده است، چرا امیرالمؤمنین^(ع) خانه نشین است؟». حضرت زهرا^(س) در پاسخ فرمودند: «مَثَل امام مثل کعبه است؛ شما باید نزد کعبه بروید، نه آنکه کعبه را نزد شما بیاورند». اگر کعبه نزد ما بیاید، هفتادبار هم دور آن بچرخیم، فایده و ارزش ندارد.

ما وظیفه داریم به‌سوی امام برویم؛ همان‌طور که باید برای حج به سوی کعبه برویم؛ البته در این رفتن به‌سوی امام باید ببینیم وظیفه ما مقابل امام زمان^(عج) چیست. اگر نگاه واراده منتظران بر برآورده کردن توقعات وخواسته‌های امام^(عج) باشد، انتظار راستین، اثرگذار و زمینه‌ساز فرج خواهد بود، وگرنه مثل انتظار کوفی‌ها می‌شود. انتظار آن‌ها تأمین دنیا وخواسته‌هایشان به‌دست امام بود و برای همین خواسته‌ها هم امام حسین^(ع) را تنها گذاشتند، چنان‌که عمرسعد در رؤیای امیری بر ملک ری، مقابل امام ایستاد اما به فرموده سیدالشهدا^(ع) حتی گندم ری هم نصیب او نشد.

انتظارهای کوفیانه

درباره چرایی ختم شدن انتظار کوفیان به فاجعه‌کربلا، باید گفت انتظار کوفیان از یک معرفت حداقلی شکل گرفته بود؛ یعنی آن‌ها جایگاه امام حسین^(ع) را در هستی نمی‌شناختند و فقط در ظاهر می‌دانستند ایشان فرزند پیامبر^(ص) هستند و از حضرت درخواست کردند برای تشکیل حکومت به کوفه بروند. آن‌ها نمی‌دانستند که اگر امام خانه‌نشین هم باشد، ولی خدا و در عالم دارای اثر است. این معرفت حداقلی باعث شد امام حسین^(ع) را تنها بگذارند و به روی ایشان شمشیر بکشند.

انتظار کوفیان برای امام حسین^(ع) بدون معرفت و عمل و ایستا بود و حال آنکه با معرفت حداکثری است که انتظار به‌عنوان افضل‌الاعمال محقق می‌شود و صرفاً در حالت حسنی عاطفی باقی نمی‌ماند. سبک زندگی منتظرانه این‌گونه است که فرد منتظر خواست امام را مقدم بر همه خواسته‌های خود قرار می‌دهد. اگر بین دین و دنیای او اختلافی پیدا شد، حق را به دین می‌دهد و پای دین می‌ایستد. انتظار فرج، نیازمند دین عقیده‌ای است نه دین سلیقه‌ای. امام حسین^(ع) می‌فرماید: «مردم، بنده دنیا شده‌اند و دین لقلقه زبان آن‌هاست و اگر دین به معیشت آن‌ها ضرر بزند، دنبال معیشت می‌روند!».

سبک زندگی کوفیان و نوع انتظار آن‌ها برای امام زمانشان، بر مدار دنیا و تعلقات آن بود؛ یعنی آن‌ها امام را می‌خواستند تا خواسته‌های دنیایی‌شان را برآورده کند، اما در سبک زندگی منتظرانه، دنیا باید در خدمت پرورش روح و قرار گرفتن در مسیر خدمت به امام باشد. هرقدر روح پرورش ییابد، جسم به همان اندازه مرارت و سختی می‌بیند؛ چون جسم باید مرکب روح باشد؛ مثل شهید قاسم سلیمانی و آیت‌... رئیس که با پرورش و رشد روحی، جسم را به خدمت آن درآورده بودند. در انتظار برای فرج و زمینه‌سازی ظهور نیز باید به پرورش روح پرداخت.

بردار

و بخوان

مهدویت و عقل و دین

«مهدویت و عقل و دین»، اثر حجت‌الاسلام والمسلمین محمدباقر شریعتی‌سبزواری، را بوستان کتاب در ۴۹۶ صفحه منتشر کرده است. اعتقاد به موعود آخرالزمان، دامنه‌ای گسترده‌تر از آغاز اسلام دارد. نویسنده در این نوشتار می‌کوشد وجود حضرت مهدی^(عج) را از طریق تاریخ‌های معتبر اهل سنت واحادیث معتبر شیعه و سنی ومتفکران وفیلسوفان جهان ثابت کند. به باور نگارنده، اسلام موضوع اعتقاد به موعود را از محدوده «ذهن» به دنیای «واقعیات» آورده و آن را از «آینده» به «حال» انتقال داده است تا به جای باور داشتن و چشم و دختن به منجی و نجات‌دهنده‌ای مبهم، آن را به‌صورت عینی درنظر آورند. وظایف خویش را بشناسند و برای آینده‌ای درخشان بکوشند.

محتوای کتاب

این کتاب در ۹ بخش تألیف شده است، در بخش اول با عنوان «کلیاتی درباره مهدویت»، ابتدا بر مهدویت شخصی نه نوعی، تأکید شده و سپس مهدی موعود^(عج) در منابع اهل سنت و مهدی^(عج) در نگاه اهل سنت و شرق‌شناسان، بررسی شده است.

بخش دوم با عنوان «ولادت حضرت مهدی^(عج) از نظر مورخان» به نگارش درآمده است و به این پرسش که آیا حضرت مهدی^(عج) متولد شده‌اند، پاسخ می‌دهد و کیستی مهدی موعود^(عج) و تاریخ ولادت حضرت مهدی^(عج) از نظر اهل سنت را شرح می‌دهد. «مصلح جهانی و انقلابات»، عنوان سومین بخش از کتاب است که در آن، قیام جهانی و اجماع جهانی ملت‌ها بر ظهور منجی، بررسی شده است. نویسنده در چهارمین بخش از کتاب با عنوان «عدالت‌گستری»، مهدی و دعوت به عدالت مطلق و فراگیر و مهدویت و شور امید را تبیین می‌کند و در بخش پنجم با عنوان «مدینه فاضله در تاریخ و اسلام»، امکان مدینه فاضله و مدینه فاضله و دیدگاه‌ها را بررسی می‌کند.

«دلایل وجود مهدی موعود در تاریخ» عنوان ششمین بخش از کتاب حاضر است که در آن، برخی شبهات درباره وجود امام زمان و دلایل وجود حضرت مهدی^(عج) را بررسی می‌کند. در هفتمین بخش از کتاب با عنوان «دفع شبهات منکران»، نویسنده گفته‌های منکران امام عصر^(عج) و اسرار طول عمر، زنده ماندن امری طبیعی و دلایل فلسفی و کلامی را بررسی می‌کند و بخش هشتم با عنوان «غیبت، ظهور و علائم آن»، غیبت و علل آن و حکومت امام عصر^(عج) در چشم‌نداز زمان را تبیین می‌کند.

نویسنده در نهمین و آخرین بخش از کتاب با عنوان «انتظار و منتظر» به بیان انتظار، مکتب اعتراض و انتظار فرج پرداخته، درباره ادامه انتظار تا برزخ و دین جدید در عصر غیبت، به مخاطب توضیح می‌دهد.

سفر به فضا در عصر ظهور

در عصر ظهور، به دلیل وسایل فضایی‌ماهی فوق مدرنی که در اختیار مردم قرار می‌گیرد، سفر به فضا و کرات بالا همانند سفرهای زمینی، امری عادی خواهد بود؛ البته روایات این باب، به حسب ظاهر، سفر به آسمان‌ها را برای خود آن حضرت می‌دانند، لکن ظاهراً وضع و امکانات آن زمان به‌گونه‌ای خواهد بود که سفر به آسمان‌ها و کرات همانند سفر از قاره‌ای به قاره دیگر که در عصر ما معمول است، برای همگان فراهم خواهد بود؛ یعنی زندگی بر روی زمین در آن مدینه فاضله، وارد مرحله جدیدی خواهد شد که به‌طورکلی با وضعیت گذشته فرق دارد.



شهرانه
شماره ۱۴
۲۳ مهر ۱۳۹۲
۱۳ ربيع الثاني ۱۴۱۴
شماره ۳۳۳۶

۱۴



چند گام برای تضمین سرانجام نیک براساس توصیه‌های دینی

الهی عاقبت بخیر شویم

حمیده ذاکری/ عاقبت به‌خیری ساده و پرمهری است که بیشتر ما آن را بارها از زبان بزرگ‌تره‌ایمان شنیده‌ایم؛ دعای بسیار شنیده‌شده‌ای که در ابتدا مفهوم ساده‌ای دارد و برای ما از طلب خیر در پایان راه و زندگی دنیوی می‌گوید اما دراصل آرزومند خیر و کمال مطلق است که هر پنده‌ای خواستار آن است و اگر به آن دست یابد، سعادتمند شده است؛ سعادت‌ی که آیات و روایات به‌منظور راه‌های دستیابی به آن، توصیه‌ها و سفارش‌هایی کرده‌اند. ازآنجاکه یکی از نیازهای ضروری انسان برای حضور در آخرت، عاقبت به‌خیری و سرانجام نیک است، لازم است با علل و عوامل عاقبت به‌خیری در کلام خدا و روایات معصومان^(ع) آشنا شویم.

همه خیر و خوبی‌ها در دست اوست

سرانجام نیکو، یکی از آموزه‌های مهم اسلام است. دونده‌ای را تصور کنید که پس از ماه‌ها تمرین و ممارست، وارد زمین مسابقه شده است یا محصلی که پس از سال‌ها آموزش و مطالعه و کسب تجربه، وارد مرحله آخر و آزمون نهایی شده است؛ آزمون و مسابقه‌ای که ممکن است تمام شرکت‌کنندگان از آن پیروز و سرلند بیرون نیابند و حاصل یک عمر تلاش و زحمتشان بر باد رود. این حال بنده‌ای است که در طول زندگی سعی کرده است گام‌های درستی بردارد و از صراط مستقیم دور نماند اما گاه لغزشی در پایان می‌تواند همه راه رفته را تباه کند؛ به همین خاطر است که با وجود راه‌هایی برای کسب عاقبت به‌خیری از ابتدا تا انتها درکنار سعی و تلاش باید از خداوند منان مدد گرفت؛ آن چنان که در مناجات خمسۀ عشر می‌خوانیم: «کیف ارجو غیرک والغیر کله یتدک؛ خدایا! من چگونه به غیر تو امید داشته باشم، با وجود اینکه همه خیر و خوبی‌ها در دست توست؟». پس تنها یک سرمنشا خیر و خوبی وجود دارد و تنها اوست که می‌تواند ما را به این پایان نیکو برساند.

اول خدا بعد هم والدین

قدم چهارم برای رسیدن به عاقبت نیکو، نیکی کردن به دیگران است. خداوند مهربان خودمظهر نیکی است ونیکوکاران رادوست دارد و از ما هم همین درخواست را دارد؛ آن چنان که در قرآن کریم در این باره می‌خوانیم: «همچنان‌که خدا به تو نیکی می‌کند، نیکی کن» (قصص، ۷۷) و در آیه دیگری ما را راهنمایی می‌کند که این امر را از نزدیکان و دوستانمان آغاز کنیم: «همانا خدا(خلق را) فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطا به خویشاوندان، امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم، نهی می‌کند و به شما پند می‌دهد. باشد که موعظه خدا را بپذیرید» (سوره نحل، آیه ۹۰). عملی که می‌توان گفت یکی از وجوه مهمش نیکی به والدین است؛ امری که درحقیقت می‌توان آن را یکی از رمزهای عاقبت به‌خیری دانست؛ زیرا با توجه به آیات و روایات، خشنودی والدین پس از خشنودی پروردگار است؛ آن چنان که پیامبر اکرم^(ص) فرموده‌اند: «آن‌که پدر و مادرش را خشنود کند، خدا را خشنود کرده است و آن‌که پدر و مادر خود را به خشم آورد، خدا را به خشم آورد» (کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۴۷۰).

روشنا

هرکه به اجیر و کارگر خود ستم کند و حق او را نپزدازد، خداوند اعمال نیکش را به‌کلی تباه و بوی بهشت را بر وی حرام خواهد کرد.

آخرین مناظره

سمانه رضوانی/ ابراهیم^(ع) که از آتش سالم درآمد، دیگر حجت تمام شد. حجت تمام شد اما عده‌ای مثل نمرد و منافعیشان در خطر بود، دشمنی‌شان تمام نشد. او که راه می‌رفت، حتی بدون اینکه حرف بزند، مردم واقعه‌آن روز را تکرار می‌کردند و به پیروان ابراهیم اضافه می‌شد. مردم دورش جمع می‌شدند و می‌خواستند برایشان از خدایش بگویند و این یعنی تبلیغات برای یکتاپرستی. نمرد و او طرافیناش نمی‌خواستند شکستشان را قبول کنند و بازهم ابراهیم را به مناظره دعوت کردند.

طبیعی بود که نمرد و عصبانی باشد. قدرتش متزلزل شده بود، تا دیروز حاکم مطلق و خدای بابل بود و حالا کسی آمده بود که همه تاج و تختش را بگیرد. دست خالی هم نیامده بود. معجزه آورده بود و این یعنی به این راحتی نمی‌توانست او را رد کند.

به ابراهیم گفت کمی از خدایت بگو! پروردگار تو کیست؟

ابراهیم گفت: کسی که زنده می‌کند و می‌میراند؛ اَللّٰهُمَّ تَرٰ اِلٰی الَّذِیْ حَاجَ اِبْرٰهٖمَ فِیْ رَبِّهِ اَنْ اَتَاهُ... اَللّٰکَ اِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمَ رَبِّیْ الَّذِیْ یُحْیِیْ وَیُمِیْتُ... (بقره، ۲۵۸).

نمرد و فکر کرد بازی را برده

عملی که ما را سرلند می‌کند

پس از توکل و درخواست از خدا، گام بعدی برای عاقبت به‌خیری ایمان است؛ ایمانی که تنها نیتی در قلب نیست، بلکه دارای ابعاد و ارکانی است؛ ابعاد و ارکانی که امام صادق^(ع) درباره‌اش فرموده‌اند: «ایمان عبارت است از اقرار به زبان و اعتقاد در قلب و عمل به ارکان» (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳). به همین خاطر است که گفته می‌شود عمل صالح، نتیجه ایمان است و ممکن نیست که مادر قلب خود به‌امری معتقد باشیم اما در عمل، خلاف آن را انجام دهیم. در نتیجه در ردیف ایمان، این عمل صالح است که ما را به عاقبت به‌خیری می‌رساند. این عمل نیک است که بالایی رود و پذیرفته می‌شود. همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «هرکه طالب عزت است (بداند که همانا در ملک وجود تمام عزت خاص خدا(و خداپرستان) است. کلمه نیکو(ی توحید و روح پاک آسمانی) به‌سوی خدا بالا رود و عمل نیک خالص آن را بالا برد» (سوره فاطر، آیه ۱۰). عملی که ما را نیز سرلند و سعادتمند می‌کند؛ آن چنان که در قرآن کریم می‌خوانیم: «آنان که ایمان آوردند و نیکوکار شدند، آن‌ها به حقیقت بهترین اهل عالم هستند» (سوره یسّٰه، آیه ۷).

لباسی که از تو مراقبت می‌کند

آنچه از ایمان عمل ما مراقبت می‌کند، تقوا و مراقبت از خود و اعمالمان است؛ پله سومی که ما را در مسیر عاقبت به‌خیری پیش می‌برد. اگر در همه امور، خدا را درنظر بگیریم و براساس خویشاوند پروردگارمان، اعمالمان را تنظیم کنیم، در پایان کار می‌توانیم امیدوار باشیم که عاقبتمان نیز به او که خیر و خوبی مطلق است، منتهی خواهد شد. ممکن است در مسیر هر کدام از ما لغزش‌هایی داشته باشیم اما این مهم است که در مسیر سعی کنیم و روند حرکتمان، مثبت و روبه جلو باشد. برای این امر باید با توجه به آیات و روایات از تقوا مانند لباسی بهره ببریم: «جامه هرپیرکاری از هر جامه‌ای بهتر است» (سوره اعراف، آیه ۲۶). امام باقر^(ع) در تفسیر آیه فوق فرموده‌اند: «لباس، همان لباسی است که شما می‌پوشید و لباس تقوا، عفاف است». (تفسیرالقمی، ج ۱، ص ۲۵۸). در نتیجه مانند همه اهل تقوا که خدا را حاضر و ناظر اعمال خود می‌بینند، باید اعمالمان با برنامه خدا تنظیم باشد و به‌سوی او در حرکت باشیم. هر قدر این حرکت به سمت خدا بیشتر باشد، انسان موفق تر و عاقبت به‌خیرتر و زندگی او خدایی تر است.

است. گفت هه! هن! من هم می‌توانم؛ اینکه کاری ندارم. ... قَالَ اَنَا اُخْبِیْ وَأُمِیْتُ... (بقره، ۲۵۸). دستور داد دو زندانی بیاورند. یکی را کشت و آن یکی را آزاد کرد. گفت: دیدی من هم توانستم؟ شاید حضار به وجد آمدند و نمرد و هم بخند به لب. منتظر اعتراف به شکست ابراهیم^(ع) بود اما او پیامبر و فرستاده خدا بود. ابراهیم گفت: خدای من می‌تواند خورشید را از مشرق بیاورد؛ اگر راست می‌گویی و توانا هستی، تو از مغرب بیاور! ... قَالَ اِبْرٰهٖمَ فَاِنْ... یٰٰنٰی بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَاتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ... (بقره، ۲۵۸).

احکام

حکم معرفی سارق به دیگران برای حفظ اموالشان از سرقت

آیت!... العظمی خامنه‌ای: با توجه به اینکه با ادله معتبر شرعی اثبات نشده است، ممکن است از موارد تهمت و بهتان باشد، می‌توانید بدون نام‌بردن، مسئله را مطرح کنید و برای مراقبت از اشیا هشدار بدهید.

آیت!... العظمی سیستمی: اگر گناه او علنی نباشد، بازگوکردن آن غیبت است.

آیت!... العظمی شیرینی/ خیر / تذکر به‌طور کلی کافی است، مگر تذکر خاص لازم باشد. / خیر

آیت!... العظمی صافی گلپایگانی: چنانچه سارق بودن زن محرز باشد، تذکر دادن غیبت نیست؛ هرچند اگر دفع ضرر به تذکر تنها بدون ذکر نام میسر باشد، ذکر نکردن نام بهتر است.

آیت!... العظمی مکارم شیرازی: در این‌گونه موارد گفتن حقیقت واجب است. / در این‌گونه موارد سزاوار است گفته شود. / لازم نیست.

آیت!... العظمی نوری همدانی: در فرض سؤال، غیبت محسوب نمی‌شود.

آیت!... هادوی تهرانی: در جایی که آگاه‌کردن دیگری نسبت به رفتار یا خصوصیت یک فرد، مانع از ضرر و زیان به گوینده یا دیگران شود، غیبت جایز است. مقصود ضرر و زبانی است که عادتاً قابل تحمل نیست.